

Research in School and Virtual Learning

ORIGINAL ARTICLE

The Relationship between Attachment Styles and Empathy: The Mediating Role of Social Problem Solving

Hossein Zare¹, Paria Saadat Meraji Saeed^{2*}, Fateme Fooladi³

1 Professor, Education
Psychology, Payame Noor
University, Tehran, Iran.

2 Ph.D. Student, Educational
Psychology, Faculty of Education
and Psychology, Alzahra
University, Tehran, Iran.

3 Ph.D. Student, Educational
psychology, Faculty of Education
and Psychology, Alzahra
University, Tehran, Iran.

Correspondence

Name: Paria Saadat Meraji Saeed
Email: p.meraji@alzahra.ac.ir

How to cite:

Zare, H. Meraji Saeed, P. Fooladi, F. (2024). The Relationship between Attachment Styles and Empathy: The Mediating Role of Social Problem Solving. Research in School and Virtual Learning, 12(1), 33-44.

ABSTRACT

This study aimed to investigate the relationship between attachment styles and empathy with the mediating role of social problem-solving. This research is descriptive and correlational in nature. The statistical population of the present study consists of all the students of Al-Zahra University, from which 373 students selected using random cluster sampling. To collect data, the Adult Attachment Styles Questionnaire (Collins and Reed, 1990), the Empathy Questionnaire (Davis, 1983) and the Problem-Solving Questionnaire by Cassidy and Long (1996) used. The collected data analyzed using Pearson's correlation test and path analysis based on structural equations, using Amos-24 and SPSS-17 software. The research findings indicated that the relationship between attachment styles and empathy is significant. Also, the mediator role model of social problem-solving had a good fit in the relationship between attachment styles and empathy. Bootstrap results also indicated the impact of attachment styles on empathy through social problem-solving. As a result, it can be said that the variable of social problem-solving has a significant mediating role in the relationship between attachment styles and empathy.

KEY WORDS

Social Problem Solving, Attachment Styles, Empathy.

نشریه علمی

پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی

«مقاله پژوهشی»

سبک‌های دلبستگی و همدلی: نقش واسطه‌ای حل مسئله اجتماعی

حسین زارع¹، پریا سادات معراجی سعید²، فاطمه فولادی³

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و همدلی با نقش واسطه حل مسئله اجتماعی بود. این پژوهش از نوع توصیفی بوده و براساس همبستگی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام دانشجویان دانشگاه الزهراء تشکیل می‌دادند؛ که از این جامعه تعداد 373 دانشجو با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (کولینز و رید، 1990)، پرسش‌نامه همدلی (دیویس، 1983) و پرسش‌نامه حل مسئله کسیدی و لاتنگ (1996) استفاده گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر مبتنی بر معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای Amos-24 و Spss-17 تحلیل شدند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که رابطه بین سبک‌های دلبستگی و همدلی معنادار است. همچنین مدل نقش میانجی حل مسئله اجتماعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و همدلی از برآزش مطلوبی برخوردار بود. نتایج بوت استرپ نیز حاکی از تاثیر سبک‌های دلبستگی بر همدلی از طریق حل مسئله اجتماعی بود. در نتیجه می‌توان گفت که متغیر حل مسئله اجتماعی نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و همدلی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
واژه‌های کلیدی
حل مسئله اجتماعی، سبک‌های دلبستگی، همدلی.

- 1 استاد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- 2 دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
- 3 دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:
پریا سادات معراجی سعید
رایانامه: p.meraji@alzahra.ac.ir

استناد به این مقاله:

حسین زارع، پریا سادات معراجی سعید، فاطمه فولادی (1403). سبک‌های دلبستگی و همدلی: نقش واسطه‌ای حل مسئله اجتماعی. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، 12(1)، 33-44.

مقدمه

امروزه ارتباط بین فردی به دلیل اهمیت آن برای بهزیستی و شادکامی افراد (گلسر¹، 1999)، مورد توجه محققان و روان‌شناسان قرار گرفته است. سبک‌های دلبستگی، همدلی و توانایی‌های حل مسئله سازه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که روابط بین فردی و تجربیات عاطفی افراد را شکل می‌دهند. نظریه دلبستگی که توسط جان بالبی مطرح شد، بیان می‌کند که تجربیات اولیه با مراقبان، سبک‌های دلبستگی افراد را شکل می‌دهند که به نوبه خود بر روابط بین فردی آن‌ها در طول زندگی تأثیر می‌گذارد. همدلی، توانایی درک و به اشتراک گذاشتن احساسات دیگران، نقش مهمی در شکل‌گیری و حفظ این روابط ایفا می‌کند، همچنین درک نقش تعدیل‌کننده توانایی‌های حل مسئله می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در مورد اینکه چگونه سبک‌های دلبستگی بر همدلی و پویایی بین فردی تأثیر می‌گذارد، ارائه دهد.

همدلی بخشی جدایی‌ناپذیر از رفاه اجتماعی عاطفی است (ویسز و سیکارا²، 2021). در فرهنگ ما مفهوم همدلی، اصطلاحی است که بار عاطفی زیادی دارد. همدلی به عمل درک یا تصور آنچه ممکن است شخص دیگری احساس کند و سپس احساسات مشابهی را تجربه کند اشاره دارد (لوکس³، 2017؛ همچنین چیسما⁴، 1988)، به عبارتی همدلی توانایی درک و به اشتراک گذاشتن احساسات دیگران است (موداستسو⁵ و همکاران، 2020). صفت همدلی به تمایل فرد به تصور احساسات و تجربیات دیگران اشاره دارد (کونرات⁶، 2013) و مکانیسم روان‌شناختی مسئول همدلی یک فرایند تخیلی شناختی - عاطفی است (لوکس، 2017). همدلی مربوط به توانایی درک ذهن دیگران، احساس احساسات آنها در خارج از خود و پاسخ‌دادن با مهربانی، نگرانی و مراقبت از احساسات آن‌ها است. همدلی یک ساختار چندبعدی است (دیویس⁷، 1983؛ دستی⁸، 2015؛ دستی و میر⁹، 2008). همدلی چندبعدی است و از جنبه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری تشکیل شده است؛ بعد عاطفی شامل مفاهیم مراقبت و پذیرش صمیمانه و بدون قیدوشرط است، بعد شناختی مربوط به حساسیت بین فردی و توانایی درک موقعیتی است که شخص مقابل در آن قرار دارد و

در نهایت بعد رفتاری، بیانگر رفتارهایی مانند نوع دوستی و رابطه همراه با احترام است (شالکوویک¹⁰ و همکاران، 2021). به عبارتی همدلی شناختی به توانایی تشخیص و شناسایی دقیق احساسات و درک دیدگاه دیگران اشاره دارد (فریک و کمپ¹¹، 2021). به نظر می‌رسد که ظرفیت همدلی در نتیجه تمایل طبیعی ما به تقلید از یکدیگر تکامل یافته است (لاکوبونی¹²، 2009). اعتقاد بر این است که پاسخ خودکار نوروهای آینه‌ای منبع اولیه حس درونی یک رفتار مشاهده شده است و تقلید یا شبیه‌سازی وضعیت ذهنی فرد دیگر باعث همدلی می‌شود (گلدمن¹³، 2006؛ همچنین گلدمن و سرپادا¹⁴، 2005). سبک‌های دلبستگی از طریق پیوند عاطفی که بین افراد شکل می‌گیرد، به همدلی مربوط می‌شود که ریشه در تجربیات اولیه کودکی با مراقبان اولیه دارد. دلبستگی ایمن که مشخصه‌اش راحتی با نزدیکی و اضطراب کم است، به طور مثبت هم با همدلی عاطفی و هم همدلی شناختی مرتبط است (سومالروت¹⁵ و همکاران، 2018). در مقابل، سبک‌های دلبستگی نایمن، مانند اضطرابی، اجتنابی و آشفته ممکن است بر همدلی تأثیر منفی بگذارد (خدابخش¹⁶، 2021). سبک دلبستگی ایمن نیز یک پیش‌بینی‌کننده خوبی برای همدلی است که تا 53% از واریانس در متغیر همدلی را تبیین می‌کند (خدابخش، 2021). همچنین نشان داده شده است که سبک‌های دلبستگی که به‌عنوان ایمن، اضطرابی و اجتنابی طبقه‌بندی شده‌اند، با تفاوت در سطوح همدلی ارتباط دارد (میکولینر و شیور¹⁷، 2011). به‌عنوان مثال، افراد با سبک دلبستگی ایمن به طور معمول سطوح بالاتری از نگرانی همدلانه را نشان می‌دهند و در پذیرش دیدگاه دیگران بهتر از همتایان خود که به طور سبک دلبستگی نایمن دارند، هستند (میکولینر و شیور، 2011). به‌علاوه، مطالعات متعددی نشان‌دهنده ارتباط معنادار سبک‌های دلبستگی با همدلی هستند (ریکون و لئوپولد کاتز¹⁸، 2024؛ منصور¹⁹ و همکاران، 2023؛ واتیر²⁰ و همکاران، 2023؛ آردنقی²¹ و همکاران، 2020؛ شو²² و همکاران، 2022). نظریه دلبستگی به یک چارچوب نظری مهم در تحقیقات روان‌شناسی مدرن تبدیل شده است. دلبستگی یک سیستم

10 Schalkwijk

11 Fric & Kemp

12 Iacoboni

13 Goldman

14 Goldman & Sripada

15 Sumalrot

16 Khodabakhsh

17 Mikulincer & Shaver

18 Ricon & Leopold

19 Mansouri

20 Wauthier

21 Ardenghi

22 Xu

1 Glasser

2 Weisz & Cikara

3 Lux

4 Chismar

5 Moudatsou

6 Konrath

7 Davis

8 Decety

9 Decety & Meyer

موقعیت مطلوب، درحالی‌که شخص حل‌کننده برای حل آن به طور آماده روش واضحی ندارد (زارع و شیخ بهایی، 1394). حل مسئله اجتماعی نوعی سازه شناختی رفتاری است که شامل جهت‌گیری مسئله و سبک‌های حل مسئله است. منظور از جهت‌گیری مسئله، ارزیابی‌ها، احساسات و باورهای عمومی فرد در مورد توانمندی‌اش جهت مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا است که می‌تواند به دو صورت جهت‌یابی مثبت مسئله و جهت‌یابی منفی مسئله باشد (قبادی¹⁰ و همکاران، 1400). حل مسئله اجتماعی، یک راهبرد کلی است که افراد به‌وسیله آن برای موقعیت‌های چالش‌برانگیز راه‌حل‌های مقابله‌ای مؤثر پیدا می‌کنند. حل مسئله اجتماعی برای سازگاری روان‌شناختی بسیار اهمیت دارد. وقتی توانایی حل مسئله اجتماعی پایین باشد، فرد دچار اختلالاتی مثل اضطراب و افسردگی می‌شود و اگر زیاد باشد باعث افزایش احساس خودکارآمدی می‌شود (چنگ¹¹ و همکاران، 2020). به عبارتی حل مسائل اجتماعی (SPS) به توانایی حل مسئله‌ای اشاره دارد که در محیط طبیعی فرد اتفاق می‌افتد (دزوریلا و نزو¹²، 1982). این شامل انواع مشکلاتی است که ممکن است بر عملکرد فرد تأثیر بگذارد، مانند مشکلات درون‌فردی (به‌عنوان مثال، مشکلات عاطفی و رفتاری) یا مشکلات بین‌فردی (به‌عنوان مثال، درگیری‌های ارتباطی). اخیراً، روان‌شناسان آن را به‌عنوان (فرایند شناختی - رفتاری) خودراهبر تعریف کرده‌اند که توسط آن یک فرد، یک زوج یا گروه تلاش می‌کند تا راه‌حل‌های مؤثر برای مشکلات خاصی را که در زندگی روزمره مواجه می‌شود شناسایی یا کشف کند (دزوریلا و نزو، 2010). به علاوه استفاده از راهبردهای حل مسئله باعث افزایش باور فرد نسبت به توانایی‌هایش می‌شود (صالحی تبار و همکاران، 2023). به عبارتی حل مسئله اجتماعی شامل فرایندهای شناختی و رفتاری است که افراد برای شناسایی، تجزیه و تحلیل و حل تعارضات بین‌فردی و دستیابی به اهداف خود در یک زمینه اجتماعی به کار می‌گیرند (دزوریلا و نزو، 1990). هر فردی نیاز به دانش حل مسئله دارد اما این مهارت، یکی از پیچیده‌ترین رفتارهای انسان است و مستلزم کوشش بسیاری است (هالاکوا و پروک، 2007؛ به نقل از زارع و برادران، 2014).

سبک‌های دلبستگی بر راهبردهای تنظیم عاطفی افراد و مکانیسم‌های مقابله در پاسخ به مشکلات اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. افراد با سبک دلبستگی ایمن بیشتر احتمال دارد که از راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه استفاده کنند، به دنبال حمایت

انگیزش اساسی معرفی شده توسط بالبی است که رفتارهای نزدیکی طلبی مجاورت و درخواست مراقبت‌شدن و مراقبت‌کردن را سازمان می‌دهد (میکولینسر و شاور¹، 2019). دلبستگی در روان‌شناسی به‌عنوان فرایندی تعریف می‌شود که از طریق آن افراد پیوندهای عاطفی مثبت خاصی با دیگران ایجاد می‌کنند (نیومن و نیومن²، 1975). همچنین دلبستگی به شکل الگوهایی از تفکر، احساس و رفتارهای شخصی در ارتباط نزدیک با مراقب اولیه مانند مادر، شریک عاطفی و یا سایر افراد صمیمی ترسیم شده است (کوئلکبک³ و همکاران، 2017). نوزادان انسان به طور غریزی ترجیح می‌دهند از نظر جسمی نزدیک به مراقبان محافظ بمانند تا از زنده‌ماندن اطمینان حاصل کنند (کیسر و دیور⁴، 2009). یک الگوی دلبستگی مثبت، پایه‌ای مطمئن ایجاد می‌کند که حس اعتماد، حفاظت و نیازهای اساسی را تقویت می‌کند و امکان عزت نفس و کاوش ایمن در جهان را فراهم می‌کند (بالبی⁵، 1988). الگوهای دلبستگی از همان روزهای اولیه زندگی ایجاد شده و تأثیر آنها در طول زندگی مشهود است. آن‌ها نقش مهمی در رشد عاطفی، اجتماعی و رفتاری افراد دارند (کارلو⁶ و همکاران، 2013). با توجه به ویژگی‌های دلبستگی، دلبستگی به چهار الگوی مختلف تقسیم می‌شود، از جمله دلبستگی ایمن، دلبستگی اضطرابی، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی آشفته (آینسورث⁷ و همکاران، 2015) افراد با دلبستگی ایمن با صمیمی شدن راحت هستند و می‌توانند وابستگی و استقلال را در روابط خود تعدیل کنند. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی خواهان صمیمیت هستند و می‌توانند بیش از حد وابسته و پرتوقع در روابط باشند. افراد با دلبستگی اجتنابی احساس قوی خودکفایی از خود نشان می‌دهند و ممکن است از صمیمیت و نزدیکی عاطفی جلوگیری کنند. افراد با سبک آشفته بین صفات دلبستگی اضطرابی و اجتنابی در نوسان هستند و رفتارهای گیج‌کننده و مبهم را در پیوندهای اجتماعی خود نشان دهند (بنویت⁸، 2004). حل مسئله اجتماعی در معنای کلاسیک آن به عنوان مهارت حل مسئله شناخته می‌شد و ناظر به فرایند شناختی به‌کار رفته در انتقال یک موقعیت مشخص به یک موقعیت هدف بود، اما در نتیجه تحقیقات دهه‌های اخیر الگوی حل مسئله اجتماعی بسط داده شده است (دزوریلا⁹ و همکاران، 2004). حل مسئله عبارت است از پردازش شناختی برای تبدیل موقعیت مفروض به

1 Mikulincer & Shaver

2 Newman & Newman

3 Koelkebeck

4 Kaiser & Deaver

5 Bowlby

6 Carlo

7 Ainsworth

8 Benoit

9 D'Zurilla

10 Ghobadi

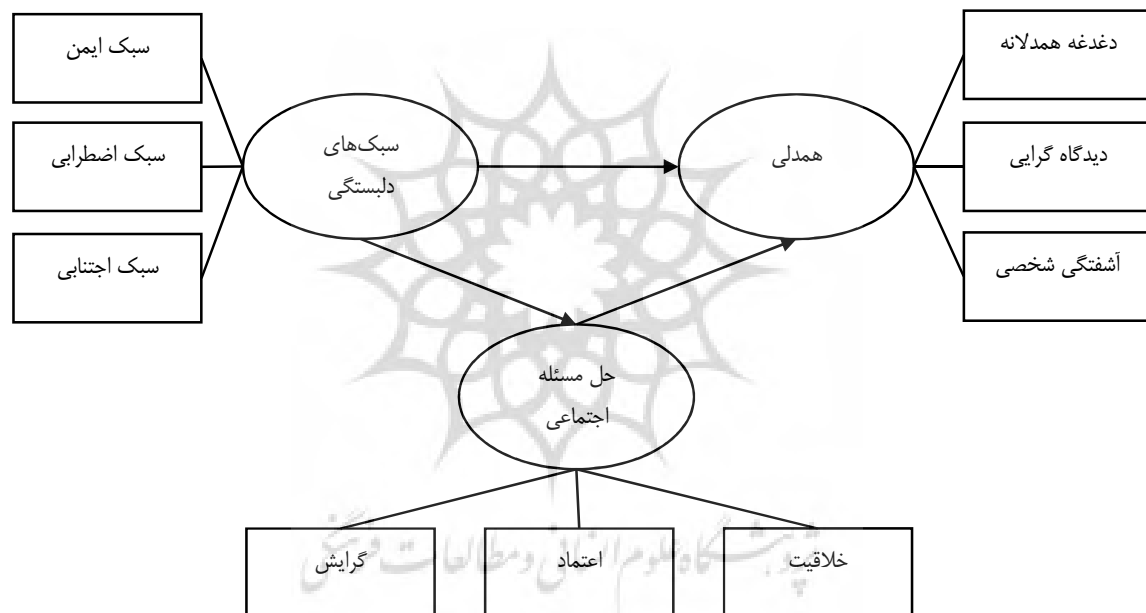
11 Chang

12 D'Zurilla & Nezu

مراقبان خود، سطوح بالاتری از توانایی‌های حل مسئله خانواده را گزارش کرد. پژوهش زیمرمن⁵ و همکاران (2001) نشان داد که نوع دلبستگی در نوجوانی و نوزادی بر تعادل بین حل مسئله مستقل و تعاونی بین دوستان تأثیر می‌گذارد؛ نوجوانان با سبک دلبستگی نایمن رفتارهای مختل‌کننده‌تری نسبت به دوست خود نشان دادند.

حل مؤثر مشکلات اجتماعی شامل مهارت‌هایی مانند دیدگاه گیری، همدلی، ارتباط، مذاکره و حل تعارض است که برای ایجاد و حفظ روابط سالم و سازگاری با چالش‌های اجتماعی حیاتی است. توانایی حل مسئله شناختی شامل فرایندهای شناختی سطح بالا است که نیاز به مقابله مناسب با مشکلات مختلف تنش‌زا در زندگی دارد (اومورا⁶ و همکاران، 2017). نتایج پژوهش آی. پولات، و کاشیمی (2020) حاکی از آن بود که مهارت‌های

اجتماعی باشند و تعادل عاطفی خود را در شرایط استرس‌زا حفظ کنند (کالینز و فینی¹، 2004). در مقابل، افراد دارای دلبستگی نایمن ممکن است به راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار مانند اجتناب، پرخاشگری یا کناره‌گیری عاطفی، تشدید تعارضات بین فردی و تضعیف رضایت از رابطه متوسل شوند (داویلا و کاب²، 2004). همچنین افرادی که سطوح بالاتری از مهارت‌های حل مسئله را دارند، در فهم و شناسایی مسائل بهتر عمل می‌کنند و به نظر می‌رسد که در درک افکار و احساسات دیگران که یکی از ملزومات همدلی است بهتر عمل می‌کند (آی، پلات و کاشیمی³، 2020). در پژوهش مراند و همکاران (2023) نتایج مرتبط با نقش میانجی‌گری حل مسئله، نشان داد که دلبستگی به پدر، مادر و شفقت به خود از طریق حل مشکل بر قربانی قلدری نوجوانان اثر غیرمستقیم دارد. همچنین پژوهش ناصری کریموند



نمودار و شکل 1. مدل مفروض پژوهش

حل مسئله سازنده بر مهارت‌های همدلی شناختی تأثیر می‌گذارد. همچنین مطالعات عباسی و طباطبائی⁷ (2023) نشان دهنده ارتباط مستقیم بین حل مسئله و همدلی است. اکثر مطالعات که در مورد ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و همدلی انجام شده است خطی هستند و از همبستگی پیروی می‌کنند. چنین رویکردی اطلاعات دقیقی درباره جهت ارتباط و مدل و متغیرهای میانجی به دست نمی‌دهد؛ بنابراین با توجه به خلا پژوهشی در زمینه روابط غیر خطی بین سبک‌های دلبستگی و همدلی و همچنین اهمیت بسزای این متغیرها در زندگی افراد،

و اعظمی (2021) نشان داد که نوجوانان دارای سبک دلبستگی ایمن، احساس شایستگی بیشتری در تعاملات با محیط پیرامون خواهند داشت و در مواجهه با ناکامی‌های محیطی از راهبردهای تنظیم هیجانی منفی کمتر بهره می‌جویند. به علاوه در پژوهشی که ابوالعالی و همکاران (2021) انجام دادند، نتایج نشان داد که ترتیب تولد و سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، مضطرب) سهم معناداری در پیش‌بینی مهارت‌های حل مسئله اجتماعی سازگانه و ناسازگانه دارند. نتایج پژوهش کیزر⁴ و همکاران (2019) حاکی از آن بود که نوجوانان با دلبستگی بیشتر به

5 Zimmermann
6 Omura
7 Abbasi & Tabatabaee

1 Collins & Feeney
2 Davila & Cobb
3 AY, Polat & Kashimi
4 Keyzers

-نزدیک بودن: [2](C) میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند.
-اضطراب: [3](A) از داشتن رابطه را می‌سنجد (مالینکروودت و همکاران؛ به نقل از پاک‌دامن، 1380)

کولینز و رید (1990؛ به نقل از پاک‌دامن، 1380) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت مواد پرسش‌نامه خود را تدارک دیده‌اند. زیرمقیاس اضطراب با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن یک بعد دوقطبی است که به طور اساسی توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد؛ بنابراین نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمن است و زیر مقیاس وابستگی را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. کولینز و رید (1990؛ به نقل از پاک‌دامن، 1380) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی 2 ماه و حتی در طول 8 ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس این پرسش‌نامه در 3 نمونه از دانشجویان به صورت زیر گزارش دادند. باتوجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از 80 / است آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر در پژوهش پاک‌دامن (1380) میزان اعتبار آزمون با استفاده از (RAAS) در مورد آزمودن مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسش‌نامه روی 100 دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به طور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از اجرای این پرسش‌نامه بافاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح 95 دارای اعتبار است.

پرسش‌نامه همدلی دیویس: پرسش‌نامه همدلی توسط دیویس در سال 1983 معرفی شد. این پرسش‌نامه از 21 گویه تشکیل شده است و میزان همدلی در افراد بررسی و ارزیابی شده است. مولفه‌های این پرسش‌نامه عبارت است از دغدغه همدلانه، دیدگاه گرایی، آشفته‌گی شخصی. نمره‌گذاری پرسش‌نامه براساس طیف لیکرت 5 درجه‌ای بوده و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف امتیازبندی شده است (دیویس، 1983a؛ همچنین دیویس، 1983b). پایایی پرسش‌نامه همدلی در پژوهش داویس با آلفای کرونباخ بالای 70% به دست آمده است. همچنین روایی پرسش‌نامه از طریق تحلیل عوامل مطلوب بوده است (قربانی² و همکاران، 2003؛ قربانی و همکاران، 2010).

پژوهشگران درصدد پاسخ به این پرسش هستند که آیا حل مسئله اجتماعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و همدلی نقش واسطه‌ای دارد یا خیر؟

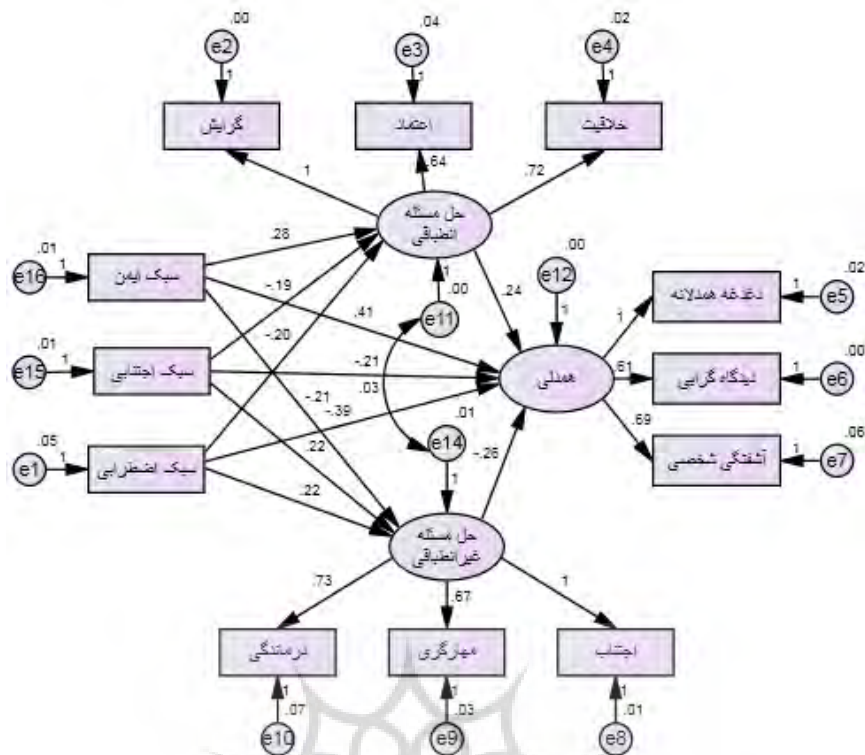
روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی بوده و براساس همبستگی انجام شده است. همچنین روش تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها، تحلیل مسیر مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش تمام دانشجویان دانشگاه الزهرا هستند که در سال تحصیلی 1402-1403 در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند. سالنامه 1401 این دانشگاه، تعداد کل دانشجویان این دانشگاه را بیش از 9000 نفر اعلام کرده است. بر اساس نظر پیتوک و استیونز¹ (2015) حجم نمونه 15 برابر متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون چندگانه تأیید شده است. همچنین مطابق جدول مورگان که داده‌های آن بر اساس فرمول کوکران تهیه شده است، برای جامعه‌ای با 10000 عضو، نمونه 373 نفری مورد نیاز است. براین اساس حجم نمونه 373 نفر انتخاب گردید.

روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای است. ابتدا 3 دانشکده ادبیات، علوم و ریاضی و روان‌شناسی به صورت تصادفی از میان فهرست دانشکده‌های دانشگاه الزهرا انتخاب شدند. سپس از هر دانشکده 10 کلاس به شکل تصادفی انتخاب شده و دانشجویانی که مایل بودند در پژوهش شرکت کنند پرسش‌نامه‌ها را دریافت کردند. در مجموع 400 پرسش‌نامه توزیع گردید که از این تعداد، 300 پرسش‌نامه به شکل کاملاً تکمیل شده در پژوهش شرکت داده شدند و مابقی به دلایل مختلف از اعتبار برخوردار نبودند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید: این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر 18 داده است که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس 5 درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از؛ به‌هیچ‌وجه با خصوصیات من تطابق ندارد: (1)، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد: (5)، تشکیل می‌گردد، سنجیده می‌شود. با تحلیل عوامل، 3 زیر مقیاس که هر مقیاس شامل 6 ماده است مشخص می‌شود، 3 زیر مقیاس عبارت‌اند از: -وابستگی: [1] (D) میزانی را که آزمودنی‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آنها متکی می‌شوند به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل دسترسی‌اند، اندازه‌گیری می‌کند.



نمودار و شکل 2. مدل ساختاری نقش میانجی‌گری حل مسئله در رابطه بین سبک دلبستگی با همدلی

جدول 3. آزمون دوربین-واتسون برای پیش‌فرض استقلال

مدل	R	R ²	R ² اصلاح‌شده	خطای دوربین-واتسون
همدلی	0/667	0/504	0/493	7/36
حل مسئله	0/389	0/211	0/108	12/48

دارای همبستگی معنادار منفی با حل مسئله انطباقی ($r = -0/402$) و همدلی ($r = -0/399$) و همبستگی معنادار مثبت با حل مسئله غیرانطباقی ($r = 0/398$) است. همچنین حل مسئله انطباقی با همدلی همبستگی معنادار مثبت ($r = 0/169$) و حل مسئله غیرانطباقی با همدلی همبستگی معنادار منفی ($r = -0/126$) دارد.

جدول 4 شاخص‌های برازندگی مدل برون‌داد را نشان می‌دهد؛ که شاخص‌های برازندگی شامل شاخص مجذور خی ($\chi^2 = 59/056$) مجذور خی نسبی ($\chi^2/df = 1/969$)، شاخص

جدول 2. ماتریس همبستگی پیرسون برای متغیرهای پژوهش

متغیر	سبک ایمن	سبک اجتنابی	سبک اضطرابی	حل مسئله انطباقی	همدلی	حل مسئله غیرانطباقی
سبک ایمن	1					
سبک اجتنابی		1				
سبک اضطرابی			1			
حل مسئله انطباقی				1		
همدلی					1	
حل مسئله غیرانطباقی						1

جدول 4. شاخص‌های برازش مدل برون‌داد

شاخص‌ها	X ²	df	X ² /df	GFI	NFI	CFI	RMSEA
مدل برون‌داد	59/056	30	1/969	0/964	0/882	0/903	0/051

نیکویی برازش ($GFI = 0/964$)، شاخص برازش هنجار شده ($NFI = 0/882$)، شاخص نیکویی برازش مقایسه‌ای ($CFI = 0/903$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب مساوی با ($RMSEA = 0/051$) بوده و این نتایج حاکی از برازش مطلوب مدل برون‌داد است و در واقع نشان‌دهنده این است که مدل ترسیمی تئوری پژوهش به طور مطلوب با مدل موجود در جامعه هماهنگ است.

جدول 3 نشان می‌دهد که پیش‌فرض استقلال منابع خطای مورد مطالعه محقق شده است، چرا که شاخص‌های مربوط به آزمون دوربین-واتسون در محدوده مطلوب یعنی ($1/5 - 2/5$) قرار دارد و در نتیجه خطاها با یکدیگر همبستگی ندارند.

*معناداری در سطح 0/01
*معناداری در سطح 0/05

جدول 5. اثر کامل، مستقیم و غیرمستقیم بین سبک دلپستگی با واسطه‌گری حل مسئله بر همدلی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
دلپستگی ایمن - همدلی	b(0/415) ، P(0/001)		
دلپستگی ایمن - دغدغه همدلانه	b(0/355) ، P(0/001)		
دلپستگی ایمن - دیدگاه گرایی	b(0/211) ، P(0/007)		
دلپستگی ایمن - آشفته‌گی شخصی	b(-0/284) ، P(0/001)		
دلپستگی ایمن - گرایش	b(0/118) ، P(0/016)		
دلپستگی ایمن - اعتماد	b(0/291) ، P(0/001)		
دلپستگی ایمن - خلاقیت	b(0/216) ، P(0/002)		
دلپستگی ایمن - درماندگی	b(-0/254) ، P(0/011)		
دلپستگی ایمن - حل مسئله انطباقی	b(0/288) ، P(0/001)		
دلپستگی ایمن - حل مسئله غیرانطباقی	b(-0/217) ، P(0/014)		
دلپستگی اجتنابی - همدلی	b(-0/218) ، P(0/014)		
دلپستگی اجتنابی - دغدغه همدلانه	b(-0/170) ، P(0/043)		
دلپستگی اجتنابی - دیدگاه گرایی	b(-0/189) ، P(0/005)		
دلپستگی اجتنابی - آشفته‌گی شخصی	b(0/203) ، P(0/001)		
دلپستگی اجتنابی - اعتماد	b(-0/219) ، P(0/017)		
دلپستگی اجتنابی - خلاقیت	b(-0/194) ، P(0/019)		
دلپستگی اجتنابی - مهارگری	b(0/342) ، P(0/001)		
دلپستگی اجتنابی - اجتناب	b(0/281) ، P(0/001)		
دلپستگی اجتنابی - حل مسئله انطباقی	b(-0/199) ، P(0/021)		
دلپستگی اجتنابی - حل مسئله غیرانطباقی	b(0/224) ، P(0/004)		
دلپستگی اضطرابی - همدلی	b(-0/399) ، P(0/001)		
دلپستگی اضطرابی - دغدغه همدلانه	b(-0/134) ، P(0/048)		
دلپستگی اضطرابی - دیدگاه گرایی	b(-0/190) ، P(0/001)		
دلپستگی اضطرابی - آشفته‌گی شخصی	b(0/252) ، P(0/001)		
دلپستگی اضطرابی - گرایش	b(-0/187) ، P(0/015)		
دلپستگی اضطرابی - خلاقیت	b(-0/211) ، P(0/001)		
دلپستگی اضطرابی - درماندگی	b(0/216) ، P(0/001)		
دلپستگی اضطرابی - اجتناب	b(0/227) ، P(0/001)		
دلپستگی اضطرابی - حل مسئله انطباقی	b(-0/209) ، P(0/019)		
دلپستگی اضطرابی - حل مسئله غیرانطباقی	b(0/229) ، P(0/003)		
گرایش - همدلی	b(0/194) ، P(0/011)		
گرایش - دیدگاه گرایی	b(0/185) ، P(0/002)		
گرایش - آشفته‌گی شخصی	b(-0/305) ، P(0/001)		
اعتماد - همدلی	b(0/241) ، P(0/001)		
اعتماد - دغدغه همدلانه	b(0/274) ، P(0/001)		
اعتماد - دیدگاه گرایی	b(0/121) ، P(0/040)		
خلاقیت - دیدگاه گرایی	b(0/167) ، P(0/021)		
خلاقیت - آشفته‌گی شخصی	b(-0/198) ، P(0/007)		
درماندگی - همدلی	b(-0/181) ، P(0/022)		
درماندگی - دغدغه همدلانه	b(-0/156) ، P(0/050)		
درماندگی - دیدگاه گرایی	b(-0/129) ، P(0/038)		
درماندگی - آشفته‌گی شخصی	b(0/214) ، P(0/001)		
مهارگری - دغدغه همدلانه	b(0/276) ، P(0/001)		
اجتناب - همدلی	b(0/231) ، P(0/001)		
اجتناب - دغدغه همدلانه	b(0/225) ، P(0/001)		
حل مسئله انطباقی - همدلی	b(0/244) ، P(0/015)		
حل مسئله انطباقی - دغدغه همدلانه	b(0/356) ، P(0/001)		
حل مسئله انطباقی - دیدگاه گرایی	b(0/272) ، P(0/001)		
حل مسئله انطباقی - آشفته‌گی شخصی	b(-0/308) ، P(0/001)		
حل مسئله غیرانطباقی - همدلی	b(-0/264) ، P(0/019)		
حل مسئله غیرانطباقی - دغدغه همدلانه	b(-0/301) ، P(0/002)		
حل مسئله غیرانطباقی - دیدگاه گرایی	b(-0/259) ، P(0/001)		
حل مسئله غیرانطباقی - آشفته‌گی شخصی	b(0/152) ، P(0/044)		
دلپستگی ایمن - حل مسئله انطباقی - همدلی	b(0/485) ، P(0/001)	b(0/070) ، P(0/001)	
دلپستگی ایمن - حل مسئله غیرانطباقی - همدلی	b(0/472) ، P(0/001)	b(0/057) ، P(0/001)	
دلپستگی اجتنابی - حل مسئله انطباقی - همدلی	b(-0/266) ، P(0/002)	b(-0/048) ، P(0/017)	
دلپستگی اجتنابی - حل مسئله غیرانطباقی - همدلی	b(-0/277) ، P(0/010)	b(-0/059) ، P(0/011)	
دلپستگی اضطرابی - حل مسئله انطباقی - همدلی	b(-0/449) ، P(0/001)	b(-0/050) ، P(0/001)	
دلپستگی اضطرابی - حل مسئله غیرانطباقی - همدلی	b(-0/458) ، P(0/001)	b(-0/059) ، P(0/001)	

هستند، بتای مثبت نشان از رابطه مستقیم و مثبت است. نتایج گزارش شده نشان می‌دهد که سبک دلپستگی با واسطه حل مسئله، همدلی را در دانشجویان پیش‌بینی می‌کند، این بدین

در جدول 5 ضرایب اثر مستقیم و غیرمستقیم و اثر کل بین متغیرهای پیش‌بین، واسطه و ملاک گزارش شده است. میزان ضریب بتا به ما نشان می‌دهد که هر مولفه به میزان ضریب بتا هر 1 واحد نمره همدلی را تبیین می‌کند که از نظر آماری معنادار

موضوع می‌توان گفت که سبک دلبستگی ایمن به دلیل اینکه بر سیستم تفکر، رفتار و احساس‌های فرد تأثیرگذار است، می‌تواند رفتارهای فرد را در مواجهه با موقعیت‌هایی ناآشنا تحت تأثیر قرار دهد. دلبستگی ایمن با به وجود آوردن احساس عزت‌نفس و کاوش ایمن به فرد این امکان را می‌دهد تا بتواند حل مسئلهٔ بهتری داشته باشد.

یافتهٔ سوم پژوهش حاضر نیز نشان دهندهٔ رابطه مثبت و معنادار حل مسئله اجتماعی و همدلی بود که پژوهش آی، پلات و کاشیمی، 2020 با آن هم‌راستا است. از آنجایی که افرادی که دارای مهارت‌های حل مسئله قوی هستند، با اعتماد به نفس و انعطاف‌پذیری با چالش‌های ارتباطی مواجه می‌شوند، ممکن است در درک و پاسخ به احساسات دیگران مهارت بیشتری داشته باشند. توانایی آنها برای مدیریت موثر درگیری‌ها و پیشنهاد حمایت به دیگران می‌تواند ارتباطات همدلی با دیگران را افزایش دهد.

و در نهایت یافتهٔ چهارم پژوهش حاکی از رابطه غیرمستقیم حل مسئله اجتماعی در بین رابطه سبک‌های دلبستگی و همدلی است؛ که به منظور تبیین این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد که دلبستگی ایمن باعث به وجود آمدن حس امنیت و اعتماد در افراد می‌شود که باعث می‌شود افراد در شرایط دشوار اجتماعی که در روابط خود نیاز به حل مسئله دارند، بهتر عمل کنند و راحت‌تر بتوانند دیدگاه دیگران را درک کنند و در نتیجه رفتارهای همدلانهٔ بیشتری از خود نشان دهند.

در هر پژوهشی، پژوهشگر با محدودیت‌هایی مواجه خواهد شد که می‌تواند بر فرآیند پژوهشی تأثیرگذار باشد که البته رفع بعضی از آنها از عهده پژوهشگر خارج است. در پژوهش حاضر نیز پژوهشگر با محدودیت‌هایی مواجه شد؛ که از جمله می‌توان به محدود بودن نمونه به دانشگاه تک جنسیتی الزهرا (س)، اشاره کرد. پیشنهاد می‌گردد که این پژوهش با در نظر گرفتن سایر عوامل میانجی و در جمعیت‌های عادی و نمونه پسران نیز انجام گردد و تعمیم نتایج با احتیاط صورت بگیرد.

پژوهشگران این مطالعه از تمامی شرکت‌کنندگانی که با صرف وقت ارزشمند خود ما را در گردآوری داده‌ها و انجام رساندن این پژوهش یاری کردند، کمال تشکر را داریم.

معناست که مدل نقش میانجی‌گری حل مسئله در رابطه بین سبک دلبستگی با همدلی دانشجویان برآزش دارد.

مطابق با شکل 2 و جدول 3 متغیر سبک دلبستگی با حل مسئله انطباقی و غیر انطباقی به‌طور همزمان قادر به تبیین 50/4 درصد از واریانس همدلی هستند و متغیر حل مسئله غیرانطباقی و غیر انطباقی نیز قادر به تبیین 21/1 درصد از واریانس همدلی هستند. لذا با توجه به نتایج به‌دست آمده مدل نظری نقش میانجی‌گری حل مسئله در رابطه بین سبک دلبستگی با همدلی دانشجویان در سطح 0/05 و با احتمال 95% تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و همدلی و نقش واسطه‌ای حل مسئله اجتماعی در دانشجویان انجام گردید. اولین نتیجه به دست آمده از پژوهش حاضر حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین سبک‌های دلبستگی و همدلی بود که پژوهش‌های ریکون و لئوپولد کاتز، 2024؛ منصوری و همکاران، 2023؛ واتیر و همکاران، 2023؛ آردنقی و همکاران، 2020؛ شو و همکاران، 2022 همسو با آن است. به منظور تبیین این یافته می‌توان گفت که سبک‌های دلبستگی پایه‌های اولیهٔ رفتارهای همدلانه را تشکیل می‌دهند، در صورتی که سبک دلبستگی فرد ایمن باشد، این تجربهٔ ارتباط عاطفی امن فرد، به وی کمک می‌کند تا تعاملات اجتماعی آتی خود را به روشی سخاوتمندانه‌تر تفسیر کنند (کالینز و فینی، 2004) که باعث می‌شود فرد رفتارهای همدلانهٔ بیشتری نشان دهند. اما در صورتی که فرد دارای سبک اضطرابی یا اجتنابی باشد، ممکن است در درک و پذیرش دیدگاه دیگران ضعیف عمل کند که این خود بر همدلی تأثیر منفی دارد.

دومین نتیجهٔ این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین سبک‌های دلبستگی با حل مسئله اجتماعی مثبت و معنادار است؛ که نتایج پژوهش‌های کالینز و فینی، 2004؛ مرآمد و همکاران، 2023؛ کریموند و اعظمی، 2021؛ ابوالعالی و همکاران، 2021؛ کیزر و همکاران، 2019؛ زیمرمن و همکاران، 2001 نیز این یافته را تأیید می‌کنند. در جهت تبیین این

References

- Abbasi, M., & Tabatabaee, S. M. (2023). The mediating role of attentional control in the relationship between problem solving and empathy. *Cognitive Psychology Quarterly*, 10(4), 0-0.
- AbulMaali, Kh., Keivan, L., & Saadati Shamir, A. (2012). Prediction of social problem solving skills

منابع

- based on birth order and attachment styles. *Journal of teaching and learning research*, 8(33), 1-20.
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. N. (2015). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Psychology press.

- Ardenghi, S., Rampoldi, G., Bani, M., & Strepparava, M. G. (2020). Attachment styles as predictors of self-reported empathy in medical students during pre-clinical years. *Patient education and counseling*, 103(5), 965-970.
- AY.F, Polat, S., & Kashimi, T. (2020). Relationship between the problem-solving skills and empathy skills of operating room nurses. *Journal of Nursing Research*, 28(2), 1-10.
- Benoit, D. (2004). Infant-parent attachment: Definition, types, antecedents, measurement and outcome. *Paediatrics & child health*, 9(8), 541-545.
- Bowlby, J. (1988). Developmental psychiatry comes of age. *The American journal of psychiatry*, 145(1), 1-10.
- Carlo, G., Mestre, M. V., McGinley, M., Tur-Porcar, A., Samper, P., & Streit, C. (2013). The structure and correlates of a measure of prosocial moral reasoning in adolescents from Spain. *European Journal of Developmental Psychology*, 10 (2), 174-189.
<https://doi.org/10.1080/17405629.2012.762909>
- Chang, E. C., Tian, W., Jiang, X., Yi, S., Liub, J., Bai, Y., Liu, C., Luo, X., Wang, W., Chang, O. D., Li, M., & Hirsch, J. K. (2020). Loneliness, social problem solving, and negative affective symptoms: Negative problem orientation as a key mechanism. *Personality and Individual Differences*, 167, 10-17.
- Chismar, D. (1988). Empathy and sympathy: The important difference. *The Journal of Value Inquiry*, 22(4), 257.
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2004). Working models of attachment shape perceptions of social support: evidence from experimental and observational studies. *Journal of personality and social psychology*, 87(3), 363.
- D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (2010). Problem-solving therapy. *Handbook of cognitive-behavioral therapies*, 3(1), 197-225.
- Davila, J., & Cobb, R. J. (2004). Predicting change in self-reported and interviewer-assessed adult attachment: Tests of the individual difference and life stress model. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(1), 89-108
- Davis, M. H. (1983a). Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44, 113-126.
- Davis, M. H. (1983b). Empathic concern and the Muscular Dystrophy Telethon. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 9, 223-229.
- Decety, J. (2015). The neural pathways, development and functions of empathy. *Current Opinion in Behavioral Sciences*, 3, 1-6.
- Decety, J., & Meyer, M. (2008). From emotion resonance to empathic understanding: A social developmental neuroscience account. *Development and Psychopathology*, 20(4), 1053-1080.
<https://doi.org/10.1017/S0954579408000503>
- D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. (1982). Social problem solving in adults. *Advances in Cognitive-Behavioral Research and Therapy*; 201-274
- D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (1990). Development and preliminary evaluation of the Social Problem-Solving Inventory. *Psychological Assessment: A Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 2(2), 156-163
- D'Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu-Olivares, A. (2004). Social problem solving: Theory and assessment.
- Frick, P. J. & Kemp, E. C. (2021). Conduct disorders and empathy development. *Annual Review of Clinical Psychology*. 416-391, 17.
- Gachsaran Branch, Who Are Married. *Journal of Applied Psychological Research*, 14(1), 179-194.
- Ghobadi, L., Habibi Kalibar, R., Farid, A., & Mesrabadi, J. (2021). Effectiveness of Successful Intelligence Education on Social Solving Problem Elementary School Students. *Social Psychology Research*, 11(42), 93-110.
- Ghorbani, N., Bing, M.N., Watson, P. J., Davison, H. K., & LeBreton, D. L. (2003). Individualist and collectivist values: Evidence of compatibility in Iran and the United States. *Personality and Individual Differences*, 35, 431-447.
- Ghorbani, N., P. J. Watson., Hamzavy, F. and Bart L. Weathington (2010). Self-Knowledge and Narcissism in Iranians: Relationships with Empathy and Self-Esteem. *Current Psychology*, 29, 2, 135-143.
- Glasser, W. (1999). Choice theory: A new psychology of personal freedom. HarperPerennia
- Goldman, A. I. (2006). Simulating minds: The philosophy, psychology, and neuroscience of mindreading. Oxford University Press.
- Goldman, A. I., & Sripada, C. S. (2005). Simulationist models of face-based emotion recognition. *Cognition*, 94(3), 193-213.
- Iacoboni, M. (2009). Imitation, empathy, and mirror neurons. *Annual review of psychology*, 60, 653-670.
- Kaiser, D. & Deaver, S. (2009). Assessing attachment with the bird's nest drawing: A review of the research, *Art Therapy*, 26 (1), 26-33.
<https://doi.org/10.1080/07421656.2009.10129312>
- Keyzers, A., Weiler, L., Haddock, S., & Doty, J. (2019). Family problem-solving and attachment quality: Associations with adolescent risk-taking behavior. *Journal of Youth Development*, 14(1), 70-92
- Khodabakhsh, M. (2012). Attachment styles as predictors of empathy in nursing students. *Journal of medical ethics and history of medicine*, 5.
- Koelkebeck, K. K., Liedtke, C., Kohl, W., Alferink, J., & Kret, M. E. (2017). Attachment style moderates' theory of mind abilities in depression. *Journal of Affective Disorders*, 213, 156-160.
<https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.02.021>
- Konrath, S. (2013). The empathy paradox: Increasing disconnection in the age of increasing connection. In *Handbook of research on technoself: Identity in a technological society* (pp. 204-228). IGI Global.
- Lux, V. (2017). Measuring the Emotional Quality-Empathy and Sympathy in Empirical Psychology. In *Empathy* (pp. 115-138). Palgrave Macmillan, London.
- Mansouri, Z., Bagheri, F., Dortaj, F., & Abolmaali Alhoseini, K. (2023). Evaluation of the Predictive Model of Marital Intimacy Based on Attachment

- Styles with the Mediation of Love, Empathy, and Passion Styles in Married College Students of Islamic Azad University.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2011). Attachment, anger, and aggression. In P. R. Shaver & M. Mikulincer (Eds.), *Human aggression and violence: Causes, manifestations, and consequences* (pp. 241–257). American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/12346-013>
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.02.006>
- Moudatsou, M., Stavropoulou, A., Philalithis, A., & Koukoulis, S. (2020). The Role of Empathy in Health and Social Care Professionals. *Healthcare*, 8(1), 26. MDPI AG. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.3390/healthcare8010026>.
- Muradmand, M., Ashayeri, H., & Namvar, H. (2023). Predicting adolescent bullying victimization based on attachment to parents and peers, self-compassion with the mediator role of problem solving. *Quarterly Journal of New Thoughts on education*, 19(1), 71-91.
- Naseri Karimvand, A., & Azami, Y. (2021). The mediating role of competence perception and social problem-solving in the relationship between attachment styles and aggression in adolescents. *Journal of Rooyesh-e-Ravanshenasi*, 10(6), 75-84.
- Newman, B. M., & Newman, P. R. (1975). *Development through life: A psychosocial approach* 149-159. Homewood, Ill: Dorsey Press. Chicago. 13th edition.
- Omura, M., Maguire, J., Levett-Jones, T., & Stone, T. E. (2017). The effectiveness of assertiveness communication training programs for healthcare professionals and students: A systematic review. *International journal of nursing studies*, 76, 120-128.
- Pakdaman, Sh. (2001). Investigating the relationship between attachment and sociability in adolescence. Doctoral thesis in psychology, Tehran, Payame Noor University.
- Pituch, K. A., & Stevens, J. P. (2015). *Applied multivariate statistics for the social sciences: Analyses with SAS and IBM's SPSS*. Routledge.
- Ricon, T., & Leopold Katz, S. (2024). The relationship between attachment quality, empathy skills, and moral judgement in adolescents. *International Journal of Adolescence and Youth*, 29(1), 2297573.
- Salehitabar, R., Davari, R., & Ebrahimi Moghadam, H. (2023). Equation Modeling Academic Burnout and Problem-solving styles with the Mediation Role of Academic Buoyancy. *Journal of Research in School and Virtual Learning*, 11(2), 61-74.
- Schalkwijk, F., Luyten, P., Ingenhoven, T., & Dekker, J. (2021). Narcissistic personality disorder: Are psychodynamic theories and the alternative DSM-5 model for personality disorders finally going to meet?. *Frontiers in psychology*, 12, 676733. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.676733>
- Sumalrot, T., Pinijvicha, I., Phattharayuttawat, S., Ngamthipwatthana, T., Imaroonrak, S., & Auampradit, N. (2018). The Relationship between Attachment Styles and Empathy. *Journal of the Medical Association of Thailand*, 101.
- Wauthier, L. M., Farnfield, S., Scottish SPCA, & Williams, J. M. (2023). A preliminary exploration of the psychological risk factors for childhood animal cruelty: The roles of attachment, self-regulation, and empathy. *Anthrozoös*, 36(3), 447-469.
- Weisz, E& ., Cikara, M. (2021). Strategic regulation of empathy. *Trends in cognitive sciences* ۱۳- (۳) ۲۵ , ۲۲۷
- Xu, X., Liu, Z., Gong, S., & Wu, Y. (2022). The relationship between empathy and attachment in children and adolescents: Three-level meta-analyses. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(3), 1391.
- Zare, H., & Abdolazhade, H. (2015). *Application of tests in cognitive psychology*. Tehran: Payame Noor.
- zare, H., & Baradaran, M (2014), Standardization Parker's problem solving inventory (PPSI) among college students of Guilan PNU. . *Journal of Research in School and Virtual Learning*, 2(5), 18-26.
- Zare, H., & Sheikh Bahayi, P. (2015). The Effectiveness of Problem Solving Skills Training on Coping Strategies in Parents of Children with Low Intellectual Ability. *Journal of Exceptional Education*, 15(133), 15.
- Zimmermann, P., Maier, M. A., Winter, M., & Grossmann, K. E. (2001). Attachment and adolescents' emotion regulation during a joint problem-solving task with a friend. *International Journal of Behavioral Development*, 25(4), 331-343.